

# نگارخانه

## فصلنامه علمی

وابسته به بنیاد فرهنگی خدماتی امام حسن عسکری (ع)

راهکارهای برای پیشگیری از بزهکاری و اصلاح مجرمین / سید محمد حسینی دره صوفی

ارزش اثباتی ادله الکترونیکی در حقوق ایران و افغانستان از منظر فقه اهل بیت / محمد زمان عارقی

بررسی فقهی شرطیت ختان در طواف / سید رضی قادری

جرم سرقت و مجازات آن از منظر فقه اسلامی، قوانین ایران و افغانستان / قربانعلی مبلخ

نظریه حرمت جهاد پیش از قیام حضرت مهدی، با نگاه نقادانه به نظرات عبدالله الموصلی / محمدجعفر میلان نورانی و همکاران

جستار در باب جهاد / قربانعلی حکیمی

عوامل برکت ساز و برکت سوز در قرآن کریم / سید محسن حسینی

عنوان: فصلنامه علمی نسیم کوثر

مدیر مسئول و سردبیر: سید محمد حسینی دره صوفی

ویراستار: سید محمد نقوی

گرافیسیت: سید محمود محسنی

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۶۰,۰۰۰ تومان

صاحب امتیاز: بنیاد فرهنگی خدماتی امام حسن عسکری (ع)

شماره تماس: ۰۰۹۸۹۳۵۳۹۶۹۷۷۶

سایت فصلنامه: [nasimekosar.blog.ir](http://nasimekosar.blog.ir)

ایمیل: [nasimkosar1399@gmail.com](mailto:nasimkosar1399@gmail.com)

دفتر مرکزی و محل چاپ: قم، شهر قائم، ۱۲ متری شهید رجایی، پلاک ۵۲

## راهنمایی نویسندگان و شیوه نامه نگارش فصلنامه علمی نسیم کوثر

۱. مقاله قبلا در نشریه دیگری به چاپ نرسیده یا همزمان برای سایر مجلات ارسال نشده باشد.
۲. مقاله دارای عنوان، چکیده به زبان فارسی، واژگان کلیدی، مقدمه، متن اصلی، نتیجه گیری، منابع و ماخذ باشد.
۳. مقاله در برنامه word و باقلم IR lotus و اندازه ۱۴ نازک بوده. و عنوان مقاله با قلم B Titr و اندازه ۱۴ تایپ شود.
۴. حجم هر مقاله حداقل ۱۲ و حداکثر ۲۲ صفحه باشد.
۵. کلمات کلیدی بین ۴-۷ کلمه و بصورت فارسی باشد.
۶. چکیده فارسی، از ۱۵۰ تا ۲۰۰ کلمه باشد.
۷. معادل انگلیسی اصلاحات و مفاهیم علمی رایج پانویس شود.
۸. ارجاع به منابع درون متنی باشد. داخل پرانتز، نام خانوادگی، سال انتشار و شماره صفحات ذکر شود. مثال (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۶، ۱۰۰).
۹. فهرست منابع و ماخذ، به ترتیب الفبای نام خانوادگی نویسندگان، باشد (الف). کتابها: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، سال انتشار، عنوان کتاب، (بصورت توپر)، نام خانوادگی مترجم یا مصحح، نام مترجم یا مصحح، شماره جلد، محل انتشار و ناشر. مثال: هارت، هرت، ۱۳۹۰، مفهوم قانون، راسخ، محمد، تهران، نشر نی.
- ب. مقالات: نام خانوادگی، نام، سال انتشار، عنوان مقاله، (بصورت توپر)، نام مجله، شماره مجله و شماره صفحات اول و آخر مقاله. مثال: رضایی، محسن، ۱۳۸۵، روش تجربی، فرهنگ مدیریتی سال چهارم، شماره دوازدهم، ۱۷۲، ۱۸۹.
۱۰. در زیر عنوان مقاله اسم نویسنده یا نویسندگان و در قسمت پاورقی ایمیل و سمت پژوهشگر و همچنین مشخص نمودن نویسنده مسئول. (به عنوان مثال حسینی، سید محمد، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی العالمیه، قم).
۱۱. مقالات بیانگر آرا و نظرات نویسندگان است و فصلنامه نسیم کوثر مسئولیتی ندارد.

## اعضای هیأت تحریریه:

۱. سید محمد حسینی دره صوفی، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی،  
نخبه و پژوهشگر برتر در دانشگاه بین المللی المصطفی. قم
۲. دکتر سید رضی قادری، دکتری فلسفه اخلاق از دانشگاه باقر العلوم،  
سطح چهار فقه و اصول حوزه، استاد سطوح عالی حوزه. قم
۳. محمدعلی علیدادی، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه  
المصطفی العالمیه. قم
۴. حفیظ الله محمدی، سطح چهار، دانشگاه خاتم النبیین. کابل
۵. قربانعلی مبلغ. کارشناسی ارشد فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی  
العالمیه. قم.

## فهرست مطالب

---

۷ راهکارهای برای پیشگیری از بزهکاری و اصلاح مجرمین

---

ارزش اثباتی ادله الکترونیکی در حقوق ایران و افغانستان از منظر فقه  
اهل بیت (ع) و فقه حنفیه  
۲۳

---

۴۵ بررسی فقهی شرطیت ختان در طواف

---

بررسی جرم سرقت و مجازات آن از منظر فقه اسلامی، قوانین ایران و  
افغانستان  
۶۱

---

بررسی نظریه حرمت جهاد پیش از قیام حضرت مهدی، با نگاه  
نقادانه به نظرات عبدالله الموصلی  
۱۰۱

---

۱۲۷ جستار در باب جهاد

---

۱۴۷ عوامل برکت ساز و برکت سوز در قرآن کریم

---

۱۶۳ وظایف فرزندان نسبت به والدین در اسلام و یهودیت

---

## وظایف فرزندان نسبت به والدین در اسلام و یهودیت

سید مهدی نقوی<sup>۱</sup>

### چکیده

از منظر اسلام، انسان در مقابل تمام نعمت‌های الهی پیرامون خود، موظف و مسئول است. او باید در عین استفاده و بهره‌مندی از این نعمت‌ها شکرگزار لطف الهی باشد و حقوق آن‌ها را به جا آورد. از جمله این نعمت‌ها، نعمت داشتن والدین است. والدینی که زحمت‌های زیادی را با دل و جان برای رشد و پرورش فرزند متقبل می‌شوند. محبت و احترام به والدین، اطاعت از اوامر آن‌ها و مراقبت از آن‌ها از جمله اموری است که در تمامی ادیان و نحله‌های بشری از آن به‌عنوان امری پسندیده و ارزشی مقدس یاد شده و هتاکان ساحت این حریم مقدس مورد نکوهش قرار گرفته به شدت تقبیح گردیده‌اند. در ادیان اسلام و یهودیت نیز به این مسئله با دقت هر چه بیشتر پرداخته شده است. یکی از این دلایل منشاء مشترک این ادیان است. در کتب این دو دین و همچنین تفاسیر و کلام بزرگان آن‌ها به مسئله وظایف فرزندان در برابر والدینشان اشاره شده است. این مقاله نیز قصد دارد تا این وظایف را که در هر دو دین وجود دارد، مانند احترام به والدین، اطاعت از دستورات آن‌ها، احسان و نیکی به پدر و مادر، رعایت ادب و تواضع در برابرشان و... را به رشته تحریر درآورده و نشان دهد که ادیان اسلام و یهودیت درباره جایگاه والدین تا چه مقدار اهمیت قائل است.

**واژگان کلیدی:** والدین، فرزندان، وظایف، اسلام، یهودیت

۱. کارشناس ارشد رشته ادیان ابراهیمی، مجتمع حکمت و مطالعات ادیان، جامعه المصطفی (ع)

## ۱. مقدمه

بر همه واضح و آشکار است که پدر و مادر برای اینکه ما را به سرانجام برسانند و موجبات رشد و شکوفایی ما را فراهم کنند با چه سختی‌هایی دست و پنجه داده‌اند. خداوند چه زیبا به این موضوع اشاره می‌کند: و انسان را [نسبت] به پدر و مادرش به احسان سفارش کردیم مادرش با تحمل رنج به او باردار شد و با تحمل رنج او را به دنیا آورد و بار برداشتن و از شیر گرفتن او سی ماه است تا آنگاه که به رشد کامل خود برسد و به چهل سال برسد می‌گوید پروردگارا بر دلم بیفکن تا نعمتی را که به من و به پدر و مادرم ارزانی داشته‌ای سپاس گویم و کار شایسته‌ای انجام دهم که آن را خوش داری و فرزندانم را برایم شایسته گردان در حقیقت من به درگاه تو توبه آوردم و من از فرمان‌پذیرانم. (احقاف/۱۵). همچنین در آیه‌ای دیگر بنی اسرائیل را به احسان و نیکی به والدین امر می‌کند: و چون از فرزندان اسرائیل پیمان محکم گرفتیم که جز خدا را نپرستید و به پدر و مادر و خویشان و یتیمان و مستمندان احسان کنید و با مردم [به زبان] خوش سخن بگویید و نماز را به پا دارید و زکات را بدهید آنگاه جز اندکی از شما [همگی] به حالت اعراض روی برتافتید. (بقره/۸۳). در یهودیت نیز یهوه انسان را به احترام به والدین خود امر می‌کند. این احترام به والدین در تنخ در کنار پرستش خداوند و نفی پرستش خدایان دست ساز بشری به عنوان یکی از ده فرمان حضرت موسی (ع) آمده است: «پدر و مادر خود را احترام نما تا روزهای تو در زمینی که یهوه خدایت به تو می‌بخشد، دراز شود». (خروج ۱۲: ۲۰). در این مقاله سعی بر آن شده تا به بیان وظایف فرزندان در برابر والدینشان پرداخته شود و بیان شود که اشتراکات این ادیان در رابطه با این مسئله تا چه حد است. در ابتدا به مسئولیت فرزندان در برابر والدین در اسلام و در قسمت بعد به مسئولیت فرزندان در برابر والدین در یهودیت پرداخته خواهد شد.

## ۲. مسئولیت اخلاقی فرزندان نسبت به والدین در قرآن

پس از بررسی آیات مرتبط قرآن با مسئله والدین و فرزندان و جداسازی آیاتی که

وظایف و مسئولیت‌های فرزندان در برابر والدین را بیان می‌کند، می‌توان مسئولیت‌های اخلاقی فرزندان در مقابل والدین را در هفت مقوله قرار داد.

## ۱-۲. احترام به والدین و پرهیز از تندخویی

آیات قرآن و کلمات معصومین (ع) همه بر لزوم احترام به والدین و پرهیز از تندخویی در برابر آن‌ها گواهی می‌دهند، و کسانی را که در برخورد با پدر و مادر خود بی‌ادب هستند به عذاب تهدید می‌کند و ایشان را از زیانکاران می‌خواند. برای مثال به چند نمونه از این آیات در ادامه اشاره خواهد شد.

در آیات ۱۷ و ۱۸ سوره احقاف و آیه ۲۳ سوره اسراء و خداوند فرزندان را حتی از گفتن کلمه اف نهی کرده است: «وَالَّذِي قَالَ لِيُؤَدِّيهِ أَفٌّ لَكُمْ أَتَعِدَانِي أَنْ أُخْرَجَ وَ قَدْ خَلَّتِ الْقُرُونُ مِنْ قَبْلِي وَ هُمَا يَسْتَتِعِيَانِ اللَّهَ وَ يُلِكُ آمِنْ إِنْ وَعَدَ اللَّهُ حَقٌّ فَيَقُولُ مَا هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ أُولَئِكَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنَّ وَ الْإِنْسِ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ». (احقاف/ ۱۷-۱۸). و (چقدر ناخلف است) فرزندی که پدر و مادر را گفت: اف بر شما باد، آیا به من وعده می‌دهید که پس از مرگ مرا زنده کرده و از قبر بیرون می‌آرند در صورتی که پیش از من گروه و طوایف بسیاری رفتند (و یکی باز نیامد)؟ آن گاه پدر و مادر به خدا استغاثه کنند (که پروردگارا، تو فرزند ما را هدایت کن و به او گویند) که وای بر تو، ایمان بیار، البته وعده خدا بر حق و حقیقت است، باز (آن نااهل فرزند) گوید: این سخنان جز افسانه و اوهام پیشینیان نیست. اینان در میان طوایف بسیاری از جن و انس که از این پیش (به کفر) مردند کسانی هستند که وعده عذاب خدا بر آن‌ها حتم است و اینها به حقیقت زیانکاران عالمند. در آیه ۲۳ سوره اسراء نیز آمده است: «وَ قَضَى رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا مِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفٌّ وَ لَا تَنْهَرُهُمَا وَ قُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا». (اسراء/ ۲۳). و خدای تو حکم فرموده که جز او را نپرستید و درباره پدر و مادر نیکویی کنید و چنان که یکی از آن‌ها یا هر دو در نزد تو پیر و سالخورده شوند (که موجب رنج و زحمت تو باشند) زنهار کلمه‌ای که رنجیده خاطر شوند مگو و بر آن‌ها بانگ مزین و آن‌ها را از خود مران و با ایشان به اکرام و احترام سخن گو. علامه طباطبایی



در ذیل این آیه با عنایت به آیه ۱۵۱ سوره انعام می‌گویید: «رابطه عاطفی میان پدر و مادر از یک طرف و میان فرزندان از طرف دیگر از بزرگترین روابط اجتماعی است که قوام و استواری جامعه انسانی بدان‌ها است، و همین وسیله‌ای است طبیعی که زن و شوهر را به حال اجتماع نگهداشته و نمی‌گذارد از هم جدا شوند، بنا بر این از نظر سنت اجتماعی و به حکم فطرت، لازم است آدمی پدر و مادر خود را احترام کند و به ایشان احسان نماید زیرا که اگر این حکم در اجتماع جریان نیابد و فرزندان با پدر و مادر خود معامله یک بیگانه را بکنند قطعاً آن عاطفه از بین رفته و شیرازه اجتماع به کلی از هم گسیخته می‌گردد». (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۳، ص ۱۰۹)

راغب اصفهانی در تعریف واژه «اف» چنین می‌گوید: اف در اصل هر چیز تنفرآور است؛ از قبیل چرک و ناخن گرفته شده، و در مقام اظهار تنفر به کار می‌رود. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۷۹). این واژه فقط سه بار در قرآن به کار رفته است: سوره انبیاء/ ۶۷، احقاف/ ۱۷ و اسراء/ ۲۳. همچنین قرشی در قاموس قرآن آورده است: به پدر و مادر خود اف مگو، یعنی از کارها و اعمال آن‌ها اظهار ملامت نکن. (قرشی بنایی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۸۸).

باید توجه داشت که در آیه فوق فقط از گفتن «اف» نهی شده است، ولی به طریق اولی مواردی همچون زدن و ستم مورد نهی است. کلمه «نهر» نیز به معنای رنجاندن است که یا با داد زدن به روی کسی انجام می‌گیرد و یا با درشت حرف زدن. (وزیری، حقوق متقابل کودک و ولی در اسلام، ص ۱۶).

در آیه ۲۴ سوره اسرا نیز خداوند به فرزندان امر می‌کند تا با والدین خود با تکریم و تواضع بسیار رفتار کنند: «وَ اٰخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ اَرْحَمُهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِیْ صَغِیْرًا». (اسراء/ ۲۴). و همیشه پر و بال تواضع و تکریم را با کمال مهربانی نزدشان بگستران و بگو: پروردگارا، چنان که پدر و مادر، مرا از کودکی (به مهربانی) پروردند تو در حق آن‌ها رحمت و مهربانی فرما. علامه طباطبایی در بیان این آیه می‌فرماید: کلمه «خفض جناح» (پر و بال گستردن) کنایه است از مبالغه در تواضع و خضوع زبانی و عملی، و این معنا از همان صحنه‌ای گرفته شده که جوجه بال و پر خود را باز می‌کند تا مهر و محبت مادر را تحریک نموده و او را به فراهم ساختن

غذا وادار سازد، و به همین جهت کلمه جناح را مفید به ذلت کرده و فرمود: «جَنَاحَ الدُّلِّ» و معنای آیه این است که: «انسان باید در معاشرت و گفتگوی با پدر و مادر طوری روبه‌رو شود که پدر و مادر تواضع و خضوع او را احساس کنند و بفهمند که او خود را در برابر ایشان خوار می‌دارد و نسبت به ایشان مهر و رحمت دارد». (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۳، ص ۱۱۰).

از دیگر نمونه‌های تواضع در برابر والدین در قرآن کریم می‌توان به داستان حضرت یوسف (ع) اشاره کرد که ایشان به استقبال و پیشواز پدر و مادر خویش می‌شتابد و آنان را بر تخت می‌نشانند. در سوره یوسف آمده است: «فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَى يُوسُفَ أَوَى إِلَيْهِ أَبُوهُ وَ قَالَ ادْخُلُوا مَعِيَ إِنِّ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ؛ وَ رَفَعَ أَبُوهُ عَلَيْهِ عَلَى الْعَرْشِ وَ خَرُّوا لَهُ سُجَّدًا...» (یوسف/۹۹-۱۰۰). پس چون بر یوسف وارد شدند، یوسف پدر و مادر خود را در آغوش آورد و (از آنجا که به استقبالشان آمده بود) گفت: به شهر مصر در آید که ان شاء الله ایمن خواهید بود. و پدر و مادر را بر تخت بنشانند و آن‌ها همگی پیش او (به شکرانه دیدار او، خدا را) سجده کردند... .

اهمیت احترام به والدین تا جایی است که هم قرآن و هم روایات معصومین (ع) تصریح می‌کنند حتی در صورت مشرک بودن و کافر بودن والدین رعایت احترام آن‌ها واجب است: «وَ وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا وَ إِنِ جَاهَدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ». (عنکبوت/۸). و ما به آدمی سفارش کردیم که در حق پدر و مادر خود نیکی کند، و اگر آن‌ها (خود مشرک باشند و) کوشند تا تو به من (که خدای یگان‌هام) از روی جهل و نادانی شرک آوری هرگز اطاعت امر آن‌ها مکن، که رجوع شما به سوی من است و من شما را به پاداش هر عمل که به جای آورده‌اید آگاه می‌گردانم. همچنین در این آیه ۱۵۱ سوره انعام نیز خداوند فرزندان را امر به نیکی و احسان می‌کند: «قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّيَ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَ لَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ وَ لَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَ صَاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ». (انعام/۱۵۱). بگو: بیایید تا آنچه خدا بر شما حرام کرده همه را بر شما بخوانم، و آن اینکه به هیچ وجه شرک به خدا نیاورید، و به پدر

و مادر احسان کنید، و دیگر اولاد خود را از بیم فقر نکشید، ما شما و آن‌ها را روزی می‌دهیم، و دیگر به کارهای زشت آشکار و نهان نزدیک نشوید و نفسی را که خدا حرام کرده (محترم شمرده) جز به حق به قتل نرسانید. خدا شما را به این اندرزها سفارش نموده، باشد که تعقل کنید. همچنین می‌توان برای نمونه به آیه ۱۵ سورة لقمان اشاره کرد: «وَإِنْ جَاهِدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (لقمان/۱۵). و اگر پدر و مادر تو را بر شرک به خدا که آن را به حق نمی‌دانی و ادوار کنند در این صورت دیگر آن‌ها را اطاعت مکن و لیک در دنیا با آن‌ها به حسن خلق مصاحبت کن و از راه آن کس که به درگاه من رجوع و انابه‌اش بسیار است پیروی کن، که (پس از مرگ) رجوع شما به سوی من است و من شما را به پاداش اعمالتان آگاه خواهم ساخت. آیت الله مکارم شیرازی در تفسیر نمونه خود آورده است: «و از آنجا که توصیه به نیکی در مورد پدر و مادر، ممکن است این توهم را برای بعضی ایجاد کند که حتی در مساله عقائد و کفر و ایمان، باید با آن‌ها مماشات کرد، در آیه بعد می‌افزاید: هر گاه آن دو، تلاش و کوشش کنند که چیزی را شریک من قرار دهی که از آن (حداقل) آگاهی نداری، از آن‌ها اطاعت مکن (وَإِنْ جَاهِدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا).

هرگز نباید رابطه انسان و پدر و مادرش، مقدم بر رابطه او با خدا باشد، و هرگز نباید عواطف خویشاوندی حاکم بر اعتقاد مکتبی او گردد. تعبیر به «جاهدک» اشاره به این است که پدر و مادر گاه به گمان اینکه سعادت فرزند را می‌خواهند، تلاش و کوشش می‌کنند که او را به عقیده انحرافی خود بکشانند، و این در مورد همه پدران و مادران دیده می‌شود. وظیفه فرزندان این است که هرگز در برابر این فشارها تسلیم نشوند، و استقلال فکری خود را حفظ کرده، عقیده توحید را با هیچ چیز معاوضه نکنند.

ضمناً جمله «مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ» (چیزی که به آن علم و آگاهی نداری) اشاره به این است که اگر فرضاً دلایل بطلان شرک را نادیده بگیریم، حداقل دلیلی بر اثبات آن نیست، و هیچ شخص بهانه جویی نیز نمی‌تواند دلیلی بر اثبات شرک اقامه کند. از

این گذشته اگر شرك حقیقی داشت، باید دلیلی بر اثبات آن وجود داشته باشد، و چون دلیلی بر اثبات آن نیست خود دلیلی بر بطلان آن می‌باشد. باز از آنجا که ممکن است، این فرمان، این توهّم را به وجود آورد که در برابر پدر و مادر مشرک، باید شدت عمل و بی حرمتی به خرج داد، بلا فاصله اضافه می‌کند که عدم اطاعت آن‌ها در مساله کفر و شرک، دلیل بر قطع رابطه مطلق با آن‌ها نیست بلکه در عین حال، با آن‌ها در دنیا به طرز شایسته‌ای رفتار کن (وَ صَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا). (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ج ۱۷، ص ۴۲-۴۳).

## ۲-۲. احسان به والدین

احسان، نیکی و خوش اخلاقی نسبت به والدین از کارهایی است که در قرآن کریم بلافاصله پس از اطاعت خداوند متعال آمده است که نشان دهنده اهمیت این موضوع است؛ در آیه سی و شش سوره نساء آمده است: «(وَ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ لَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ بِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ الْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْجَارِ الْجُنُبِ وَ الصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ وَ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَأُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا)». و خدای یکتا را پرستید و هیچ چیزی را شریک وی نگیرید و نسبت به پدر و مادر و خویشان و یتیمان و فقیران و همسایه دور و نزدیک و دوستان موافق و رهگذران و بندگان که زیر دست تصرف شما می‌کنند، که خدا مردم متکبر خودپسند را دوست ندارد. (نساء/۳۶). آیه هشتاد و سه سوره بقره نیز به این نکته اشاره می‌کند: «(وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَ أَنْتُمْ مُّعْرِضُونَ)». و (یاد آرید) هنگامی که از بنی اسرائیل عهد گرفتیم که جز خدای را نپرستید و نیکی کنید درباره پدر و مادر و خویشان و یتیمان و فقیران، و به زبان خوش با مردم تکلم کنید و نماز به پای دارید و زکات (مال خود) بدهید، پس شما عهد شکسته و روی گردانیدید جز چند نفری، و شما می‌دید که از حکم خدا برگشتید. (بقره/۸۳).

همچنین خداوند در قرآن به زحمات و سختی‌هایی که مادر برای تولد فرزندش

می‌کشد اشاره می‌کند: « وَ وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ ». و ما انسان را به احسان در حق پدر و مادر خود سفارش کردیم، که مادر با رنج و زحمت بار حمل او کشید و باز با درد و مشقت وضع حمل نمود و سی ماه تمام مدت حمل و شیرخواری او بود تا وقتی که طفل به حد رشد رسید و آدمی چهل ساله گشت (و عقل و کمال یافت آن‌گاه سزد (که) عرض کند: بار خدایا، مرا بر نعمتی که به من و پدر و مادر من عطا فرمودی شکر بیاموز و به کار شایسته‌ای که رضا و خشنودی تو در آن است موفق دار و فرزندان مرا صالح گردان، من به درگاه تو باز آمدم و از تسلیمان فرمان تو شدم. (احقاف/ ۱۵).

در آیه سی و شش سورة اسراء نیز به احسان به والدین و رعایت حال آن‌ها به ویژه در دوران کهنسالی اشاره شده است. زیرا والدین تا زمانی که جوان هستند با تمام توان در حفظ، رشد و شکوفایی فرزندشان سختی‌های بسیاری را متحمل می‌شوند و این از وظایف فرزند است تا در کهنسالی عصای دست پدر و مادر خود باشد؛ خداوند می‌فرماید: « وَ قَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفْ و لَا تَنْهَرُهُمَا وَ قُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا ». (اسراء/ ۲۳). و خدای تو حکم فرموده که جز او را نپرستید و درباره پدر و مادر نیکویی کنید و چنان که یکی از آن‌ها یا هر دو در نزد تو پیر و سالخورده شوند (که موجب رنج و زحمت تو باشند) زنهار کلمه‌ای که رنجیده خاطر شوند مگو و بر آن‌ها بانگ مزین و آن‌ها را از خود مران و با ایشان به اکرام و احترام سخن گو.

علامه طباطبایی در بیان آیه فوق می‌گوید: « جملة (و بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا)، عطف است بر جمله قبلی و معنایش چنین است: «پروردگارت چنین حکم رانده که «تحنسنو بالوالدین احسانا»، و احسان در فعل، مقابل بدی و آزار است. معلوم می‌شود مسئله احسان به پدر و مادر بعد از مسئله توحید خدا واجب‌ترین واجبات است، همچنان که مسئله حقوق بعد از شرک ورزیدن به خدا از بزرگترین گناهان کبیره است، و به همین جهت این مسئله را بعد از مسئله توحید و قبل از سایر احکام اسم برده و این نکته را

نه تنها در این آیات متذکر شده، بلکه در موارد متعددی از کلام خود همین ترتیب را به کار بسته». (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۳، ص ۱۰۹).

احسان مصدر باب افعال است که راغب در تعریف آن می‌گوید: «چنین آمده است: احسان دو کاربرد دارد: ۱- نیکی کردن و بخشیدن به غیر؛ مثل اینکه می‌گویند: به فلانی احسان کرد. ۲- نیکو ساختن کار: این در جایی است که کسی عملی را نیکو بداند یا کاری را نیکو بپردازد و بنابر همین معنای دوم کلمه «یحسنون» در سخن امیرالمؤمنین (ع) به کار رفته است: «النَّاسُ أَبْنَاءُ مَا يُحْسِنُونَ» (مردم فرزندان چیزهایی هستند که نیکو به انجام می‌رسانند). (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۱۹).

با دقت در آیات قرآن که در باب احسان به والدین آمده است چند نکته روشن می‌شود:

احسان امری انسانی و فرادینی است؛ چرا که قرآن انسان (و نه تنها انسان مسلمان) را توصیه به احسان به والدین می‌کند. (احقاف/۱۵).

احسان به والدین در دیگر ادیان هم بوده است. (بقره/۸۳، احقاف/۱۵).  
در طبقات احسان ترتیب رعایت شده و در اولین اولویت، پدر و مادر قرار گرفته‌اند. (اسراء/۲۳-۲۶).

احسان به مادر نسبت به پدر، اولویت بیشتری دارد. (احقاف/۱۵).  
ذکر احسان به پدر و مادر در آیه بلافاصله بعد از نهی از شرک و قبل از دستورهای مهمی مانند تحریم قتل نفس و اجرای اصول عدالت، دلیل بر اهمیت ویژه حق پدر و مادر در دستورهای اسلامی است. (انعام/۱۵۱).

احسان به والدین باید به طور مستقیم و بدون واسطه و به صورت شخصی صورت پذیرد.<sup>۱</sup>

نکره بودن واژه «احسان» دلالت بر عظمت این امر و مطلق بودن این واژه بیانگر دامنه شمول آن است که هرگونه نیکی را در بر می‌گیرد و بر والدین اعم از مسلمان و کافر اطلاق می‌گردد؛ افزون بر این شامل دوران پیری و جوانی و زمان حیات و ممات آن‌ها می‌شود. (مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۸).

۱. متعدی شدن با حرف اضافه «ب» به جای «الی» در آیات نشانگر این نکته است.

## ۲-۳. اطاعت از والدین

گوش سپاری و فرمان‌ها و اطاعت از پدران و مادران از جمله وظایف و مسئولیت‌های فرزندان برشمرده شده‌اند. در این رابطه می‌توان به چند نمونه از آیات قرآن کریم اشاره کرد که به این موضوع اشاره دارد.

اولین نمونه‌ای که در قرآن کریم می‌توان به آن اشاره کرد، آیاتی از سوره یوسف است. در این آیات آمده است که حضرت یعقوب فرزندان خود را امر فرمود که از راه‌های مختلف وارد مصر شوند و آنان هم همین کار را انجام دادند. «وَقَالَ يَا بَنِيَّ لَا تَدْخُلُوا مِنْ بَابٍ وَاحِدٍ وَادْخُلُوا مِنْ أَبْوَابٍ مُتَفَرِّقَةٍ وَمَا أُغْنِي عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ وَلَمَّا دَخَلُوا مِنْ حَيْثُ أَمَرَهُمْ أَبُوهُمْ مَا كَانَ يُغْنِي عَنْهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا حَاجَةً فِي نَفْسِ يَعْقُوبَ قَضَاهَا وَإِنَّهُ لَذُو عِلْمٍ لِمَا عَلَّمْنَاهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» وگفت: ای پسران من (سفرارش می‌کنم که چون به مصر برسید) همه از یک در وارد نشوید بلکه از درهای مختلف درآیید و (بدانید که) من در برابر (قضا و قدر) خدا هیچ سودی به حال شما نخواهم داشت، که فرمانروایی عالم جز خدا را نیست، بر او توکل کردم و باید همه صاحبان مقام توکل هم بر او اعتماد کنند. چون آن‌ها به ملک مصر به طریقی که پدر دستور داده بود وارد شدند البته این کار هیچ سودی برایشان در برابر (قضا و قدر) خدا نداشت جز آنکه در دل یعقوب غرضی بود که (از چشم بدگزندی نبینند) ادا نمود، و او بسیار دانشمند بود، زیرا ما او را (به وحی خود) علم آموختیم و لیکن اکثر مردم نمی‌دانند. (یوسف/ ۶۷-۶۸).

با دقت در آیات فوق به این نکات پی می‌بریم که تجربه‌های تلخ، انسان را با ادب می‌کند و سخنان بزرگان را می‌پذیرد (کاری که برادران یوسف با وی انجام دادند)؛ همچنین اطاعت از پدر لازم و ارزشمند است. در ضمن اگر از بی ادبی افراد گفتید، از ادب آنان نیز بگویید. (اگر برادران قبلاً نسبت ضلالت به پدر می‌دادند، امروز تسلیم امر پدر شدند). (قرآنی، ۱۳۸۳، ج ۶، ص ۱۲۳).

آیه ۲۱ سوره طور، یکی دیگر از نمونه‌های اطاعت فرزند از پدر را، اطاعت در ایمان بیان می‌کند. «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا

الْتَّائِهْمُ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهينٌ». و آنان که ایمان آوردند و فرزندانشان هم در ایمان پیرو ایشان شدند ما آن فرزندان را به آن‌ها برسانیم و از پاداش عمل آنان هیچ نکاهیم. هر نفسی در گرو عملی است که اندوخته است. (طور/۲۱).

## ۲-۴. ادب ورزی

یکی دیگر از وظایف اخلاقی فرزندان در برابر والدینشان، ادب ورزی در برابر آن‌ها است. انسان باید در مقابل پدر و مادرش خیلی مؤدب و متواضع باشد. مواظب گفتار و کردارش و حتی مواظب نحوه نشستن و برخاستن خود باشد. متأسفانه معمولاً فرزندان، چه پسر و چه دختر، آن ادبی که لازم است را در ارتباط با پدر و مادر مراعات نمی‌کنند. فرزند، در هر سنی و در هر موقعیتی، باید مواظب باشد در گفتارش حرفی نباشد که مادر آزرده خاطر شود یا شخصیت پدر ضربه بخورد. در قرآن کریم در رابطه با رعایت ادب چند آیه آمده است که به آن‌ها اشاره می‌کنیم.

اولین آیاتی که می‌توان به آن اشاره کرد آیات ۴۴ تا ۴۷ سوره مریم است که در آن به برخورد مؤدبانه حضرت ابراهیم (ع) با پدرشان اشاره می‌کند که چگونه با پدر مشرک خود رفتار نموده و او را به پرستش خداوند یکتا دعوت می‌کند. «یا أَبَتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا يَا أَبَتِ إِنَّي أَخَافُ أَنْ يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِنَ الرَّحْمَنِ فَتَكُونَ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا قَالَ أَرَأَيْتَ أَنْتَ عَنْ آلِهَتِي يَا إِبْرَاهِيمَ لَئِنْ لَمْ تَنْتَهَ لِأَرْجَمَتَكَ وَاهْجُرْنِي مَلِيًّا قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكَ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي إِنَّهُ كَانَ بِي حَفِيًّا». ای پدر، هرگز شیطان را نپرست که شیطان سخت با خدای رحمان مخالفت و عصیان کرد. ای پدر، از آن سخت می‌ترسم که از خدای مهربان بر تو قهر و عذاب رسد و (به دوزخ) با شیطان یار و یاور باشی. گفت: ای ابراهیم، تو مگر از خدایان من روگردان و بی عقیده شدی؟ چنانچه دست (از مخالفت بتان) برداری بی‌گمان تو را سنگسار کنم، و گرنه سالها از من به دور باش. باز ابراهیم گفت: سلامت باشی، من از خدای خود برای تو آمرزش خواهم خواست، که او بسیار در حق من مهربان است. (مریم/۴۴-۴۷).



آیه بعدی نیز به رعایت ادب حضرت اسماعیل (ع) در برابر پدرش حضرت ابراهیم (ع) اشاره می‌کند که وقتی خداوند آن حضرت را مأمور به ذبح فرزندش می‌کند، حضرت اسماعیل (ع) با ادب تمام و تسلیم در برابر امر خداوند، درجه ایمان خویش را به منصفه ظهور می‌گذارد: «فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ». آن گاه که (آن پسر رشد یافت و) با او به سعی و عمل شتافت (با در جهد و عبادت یا در سعی صفا و مروءه با پدر همراه شد) ابراهیم گفت: ای فرزند عزیزم، من در عالم خواب چنین می‌بینم که تو را قربانی (راه خدا) می‌کنم، در این واقعه تو را چه نظری است؟ جواب داد: ای پدر، هر چه مأموری انجام ده که ان شاء الله مرا از بندگان با صبر و شکیبا خواهی یافت. (صافات/ ۱۰۲).

آیه دیگری که فرزندان را به رعایت ادب فرا می‌خواند، آیه ۵۸ سوره نور است. در این آیه خداوند فرزندان را از دخول به اتاق والدینشان به دون اذن آن‌ها نهی می‌کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَ حِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ...». ای کسانی که ایمان آورده‌اید (بدانید که) بندگان ملکی شما و اطفال شما که هنوز به وقت احتلام و زمان بلوغ نرسیده‌اند باید (شبانه روزی) سه مرتبه از شما اجازه ورود بخواهند: يك بار پیش از نماز صبح و دیگر هنگام ظهر که جامه‌ها را از تن برمی‌گیرید و دیگر پس از نماز خفتن... (نور/ ۵۸). این جمله بیانگر این حقیقت است که حکم مذکور، یعنی استیذان در سه نوبت برای اطفال تا مدتی معین معتبر است، و آن رسیدن به حد بلوغ است، و بعد از آن باید مانند کسانی که قبلاً ذکر شد یعنی بالغان از مردان و زنان آزاد اجازه بگیرند، خدا این چنین آیات خود را برایتان بیان می‌کند و خدا علیم و حکیم است. (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش، ج ۱۵، ص ۲۲۷)

## ۵-۲. حمایت و پشتیبانی از والدین

از دیگر مسئولیت‌های اخلاقی که فرزندان در برابر والدین خود دارند، حمایت و پشتیبانی آن‌ها می‌باشد که این حمایت و پشتیبانی می‌تواند به صورت مالی و غیر

مالی باشد. قرآن کریم هنگامی که در زمینه مسائل مالی سخن به میان می‌آورد، جایگاه بخصوصی برای پدر و مادر قائل است. جدای از حقوق واجبی که در این خصوص والدین دارند، خداوند ما را متوجه می‌سازد تا هنگامی که می‌خواهیم مال یا عمل صالحی را در راه خدا انفاق کنیم، پدر و مادر به عنوان شایسته‌ترین افراد برای دریافت انفاق می‌باشند. قرآن کریم حتی در مورد وصیت به اموال هم والدین را از دیگران مقدم داشته و وصیت به گونه‌ای خوب را بر عهده فرزندان قرار داده است. برای نمونه می‌توان به آیه ۱۸۰ سوره بقره اشاره کرد. در این آیه آمده است: «كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ». دستور داده شد که چون مرگ یکی از شما فرارسد اگر دارای متاع دنیاست وصیت کند برای پدر و مادر و خویشان به چیزی شایسته عدل و به قدر متعارف. این کار سزاوار مقام پرهیزکاران است. (بقره/۱۸۰). آیه‌ای دیگر که بر حمایت و پشتیبانی از والدین اشاره دارد، آیه ۲۱۵ سوره بقره می‌باشد که می‌فرماید: «يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ». از تو سؤال کنند که چه انفاق کنند؟ بگو: هر چه از مال خود انفاق کنید درباره پدر و مادر و خویشان و یتیمان و فقیران و در راه ماندگان رواست، و آنچه نیکویی کنید خداوند بر آن آگاه است. (بقره/۱۲۵).

در این آیه دو بار کلمه «خَيْرٍ» بکار رفته است: یکی انفاق خیر (أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ) و دیگری کار خیر (تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ) تا بگوید افراد بی‌پول نیز می‌توانند با عمل و کار خود، به خیر برسند. در حدیث می‌خوانیم: «لا صدقة و ذورحم محتاج» در صورت نیامندی بستگان، نوبت صدقه به دیگران نمی‌رسد.

در انفاق، رعایت اهمّ و مهمّ، اطلاع کامل و موازین عاطفی مورد نظر است. انفاق پنج گونه است: ۱- انفاق واجب. مانند زکات، خمس، کفّارات، فدیة و نفقه زندگی که بر عهده مرد است. ۲- انفاق مستحبّ. مانند کمک به مستمندان، یتیمان و هدیه به دوستان. ۳- انفاق حرام. مانند انفاق با مال غصبی یا در راه گناه. ۴- انفاق مکروه. مانند انفاق به دیگران با وجود مستحقّ در خویشاوندان. ۵- انفاق مباح. مانند انفاق به دیگران برای توسعه زندگی. زیرا انفاق برای رفع فقر، واجب یا مستحبّ

است. بهترین مورد انفاق، والدین و بستگان هستند. «فَلِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ». (قرآنی، ۱۳۸۳ش، ج ۱، ص ۳۳۶ - ۳۳۷).

## ۲-۶. مراقبت از والدین در دوران پیری

یکی از بحث‌های مهمی که می‌توان به آن اشاره کرد بحث پدر و مادرهای پیر و سال خورده‌ای هستند که اختیار زندگی خود را به تنهایی از دست داده‌اند و به فرزندان در جهت رسیدگی به آن‌ها نیاز دارند. شاید بتوان گفت که فرزندان به آن‌ها احتیاج دارند، تا هم از تجربیات آن‌ها و هم از دعاها و فیوضات خداوند بهره‌مند شوند. در قرآن مجید، خداوند ضمن بیان و یادآوری نعمت‌های بسیاری که به واسطه والدین به فرزندان داده است، فرزندان را مکلف به مراقبت از والدین می‌کند. در ذیل به بیان آیاتی از قرآن که به این موضوع می‌پردازد، اشاره می‌شود. اولین آیه‌ای که می‌توان به آن اشاره کرد، آیه ۲۳ سوره اسراء است که در آن آمده است که از والدین باید در دوران کهولت سن که قدرت و توانایی خود را از دست داده‌اند نگهداری کرد. «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا». و خدای تو حکم فرموده که جز او را نپرستید و درباره پدر و مادر نیکویی کنید و چنان که یکی از آن‌ها یا هر دو در نزد تو پیر و سالخورده شوند (که موجب رنج و زحمت تو باشند) زنهار کلمه‌ای که رنجیده خاطر شوند مگو و بر آن‌ها بانگ مزین و آن‌ها را از خود مران و با ایشان به اکرام و احترام سخن گو. (اسراء/۲۳).

کلمه «کبر» به معنای بزرگسالی است، و کلمه «اف» مانند کلمه «آخ» در فارسی، انزجار را می‌رساند، و کلمه «نهرو» به معنای رنجاندن است که یا با داد زدن به روی کسی انجام می‌گیرد و یا با درشت حرف زدن، اگر حکم را اختصاص به دوران پیری پدر و مادر داده از این جهت بوده که پدر و مادر، در آن دوران سخت‌ترین حالات را دارند، و بیشتر احساس احتیاج به کمک فرزند می‌نمایند، زیرا از بسیاری از واجبات زندگی خود ناتوانند، و همین معنا یکی از آمال پدر و مادر است که همواره از فرزندان خود آرزو می‌کنند، آری روزگاری که پرستاری از فرزند را می‌کردند و روزگار دیگری

که مشقات آنان را تحمل می نمودند، و باز در روزگاری که زحمت تربیت آن‌ها را به دوش می کشیدند، در همه این ادوار که فرزند از تاملین واجبات خود عاجز بود آن‌ها این آرزو را در سر می پروراندند که در روزگار پیری از دستگیری فرزند برخوردار شوند. (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۳، ص ۱۱۰).

مرحوم طبرسی فرموده‌اند: «إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا: ای انسان، اگر پدر و مادر یا یکی از آن‌ها، نزد تو زنده ماندند، تا بسن پیری رسیدند... بدیهی است که انسان در سن پیری حال کودک پیدا می کند و احتیاج دارد که از او حمایت و سرپرستی کنند. در اینجا فقط بدوران پیری پدر و مادر اشاره کرده است، حال آنکه در هر حال اطاعت پدر و مادر لازم است، علت این است که در این دوران، آن‌ها بخدمت و کمک، بیشتر احتیاج دارند. (طبرسی، ۱۳۶۰ش، ج ۱۴، ص ۱۱۹).

آیه دیگری که می توان در رابطه با احترام به والدین در پیری و کهنسالی به آن اشاره کرد، آیه ۲۴ سوره اسراء است: «وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلَّةِ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِي صَغِيرًا». و همیشه پر و بال تواضع و تکریم را با کمال مهربانی نزدشان بگستران و بگو: پروردگارا، چنان که پدر و مادر، مرا از کودکی (به مهربانی) پروردند تو در حق آن‌ها رحمت و مهربانی فرما. (اسراء/ ۲۴). علامه طباطبایی (ره) در ذیل این آیه بیان می فرماید که در اینکه فرمود: «و بگو پروردگارا ایشان را رحم کن آن چنان که ایشان مرا در کوچکیم تربیت کردند» دوران کوچکی و ناتوانی فرزند را به یادش می آورد، و به او خاطر نشان می سازد، در این دوره که پدر و مادر ناتوان شده تو بیاد دوره ناتوانی خود باش و از خدا بخواه که خدای سبحان ایشان را رحم کند، آن چنان که ایشان تو را رحم نموده و در کوچکیت تربیت کردند. (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۳، ص ۱۱۰).

## ۷-۲. شکرگزاری، دعا و طلب آمرزش برای والدین

در بخش های قبل بررسی کردیم که فرزندان در مقابل والدین خود دارای وظایفی هستند که در قرآن و روایات به آن اشاره شده است و از اهمیت بالایی برخوردار است. در این بخش به موضوع سپاسگذاری، دعا و طلب آمرزش برای والدین

می‌پردازیم. انسان فطرتاً شاکر و سپاسگزار کسی است که به او نیکی کرده است. سپاسگزاری از پدر و مادر، نشانه و گواه سلامت فطرت است و کسی که به پدر و مادر خود نیکی می‌کند، از فطرت خود پاسداری کرده است. اهمیت سپاسگزاری از پدر و مادر، چنان است که خداوند پس از امر به شکرگزاری از خود، شکر پدر و مادر را آورده است: « وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَيَّ وَهْنًا وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَ لِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ ». و ما به هر انسانی سفارش کردیم که در حق پدر و مادر خود نیکی کن خصوصاً مادر که چون بار حمل فرزند برداشته و تا مدت دو سال که طفل را از شیر باز گرفته (هر روز) بر رنج و ناتوانیش افزوده است، (و فرمودیم که) شکر من و شکر پدر و مادرت بجای آور، که بازگشت (خلق) به سوی من خواهد بود. (لقمان/ ۱۴).

آیه بیست و هشت سوره نوح به دعا برای والدین اشاره می‌کند: « رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ لِوَالِدَيَّ وَ لِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ لَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا ». بار الهی، مرا و پدر و مادر من و هر که با ایمان به خانه (یا به کشتی) من داخل شود و همه مردان و زنان با ایمان عالم را ببخش و بیامرز و ستمکاران را جز بر هلاک و عذابشان میفرزای. (نوح/ ۲۸). و چنین است حال اولیاء الله که بعد از آن همه زحمت و تلاش در راه خدا باز هم خویش را مقصر می‌دانند و هرگز گرفتار غرور و خود بزرگ بینی نمی‌شوند، نه همچون افراد کم‌ظرفیت که با انجام يك کار کوچک چنان مغرور می‌شوند که گویی از خداوند طلبکارند! نوح در حقیقت برای چند نفر طلب آموزش می‌کند: اول برای خودش، مبدا قصور و ترك اولایی از او سر زده باشد. دوم برای پدر و مادرش، به عنوان قدردانی و حق شناسی از زحمات آنان. سوم برای تمام کسانی که به او ایمان آوردند هر چند کم بودند، و سپس همراه او سوار بر کشتی شدند که آن کشتی نیز خانه نوح بود. چهارم برای مردان و زنان با ایمان در تمام جهان و در تمام طول تاریخ، و از اینجا رابطه خود را با مؤمنان سراسر عالم بر قرار می‌سازد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۲۵، ص ۹۰-۹۱).

همچنین می‌توان به آیات ذیل در این زمینه اشاره کرد: « رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَ لِوَالِدَيَّ وَ لِّلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ ». بار الهی، روزی که (میزان عدل و) حساب به پا می‌شود

تو در آن روز سخت) بر من و والدین من و همه مؤمنان (از کرم) ببخشا. (ابراهیم/۴۱). این آیه دلالت دارد بر اینکه ابراهیم فرزند آزر مشرک نبوده، زیرا در این آیه برای پدرش طلب مغفرت کرده است، در حالی که خودش سنین آخر عمر را می‌گذرانده، و در اوائل عمر بعد از وعده‌ای که به آزر داده از وی بیزاری جسته است. در اول به وی گفته: «سَلَامٌ عَلَيْكَ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي» (مریم/۴۷). و نیز گفته است: «وَ اغْفِرْ لِأَبِي إِنَّهُ كَانَ مِنَ الضَّالِّينَ» (شعراء/۸۶). و سپس از او بیزاری جسته است، که قرآن کریم چنین حکایت می‌کند: «وَ مَا كَانَ اسْتِغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَنْ مَوْعِدَةٍ وَعَدَّهَا إِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ» (توبه/۱۱۴)، که تفصیل داستان آن جناب در سوره انعام در جلد هفتم این کتاب گذشت. (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۲، ص ۱۱۴).

در آیه چهارم سوره ممتحنه مشاهده می‌کنیم که حضرت ابراهیم برای عموی خود از خداوند طلب مغفرت می‌کند تا خداوند از گناهان او درگذرد: «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَآءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَ بَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدُّهُ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَ مَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَ عَلَيْكَ آتَيْنَا وَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ». برای شما مؤمنان بسیار پسندیده و نیکوست که به ابراهیم و اصحابش اقتدا کنید که آن‌ها به قوم (مشرک) خود گفتند: ما از شما و بت‌های شما که به جای خدا می‌پرستید به کلی بیزاریم، ما مخالف و منکر شمایم و همیشه میان ما و شما کینه و دشمنی خواهد بود تا وقتی که تنها به خدای یگانه ایمان آرید، الا آنکه ابراهیم به پدر (یعنی عموی) خود گفت: (اگر ایمان آری) من برای تو از خدا آمرزش می‌طلبم (که از شرک و عصیان گذشته تو درگذرد) و (هرگاه ایمان نیاوری) دیگر من بر نجات تو از (قهر و غضب) خدا هیچ کاری نتوانم کرد، بار الها، ما بر تو توکل کردیم و رو به درگاه تو آوردیم و بازگشت تمام خلق به سوی توست. (ممتحنه/۴).

### ۳. مسئولیت اخلاقی فرزندان در یهود

با دقت در آموزه‌های کتاب مقدس یهودیان به این نکته پی می‌بریم که پدر و مادر در این کتاب دارای جایگاه ویژه‌ای هستند. به همین دلیل به فرزندان توصیه شده

است که وظایف خود را نسبت به والدین خویش انجام دهند، و از هرگونه خطا نسبت به والدین خود و کوتاهی در انجام وظایف خود در قبال آن‌ها پرهیز کنند. این وظایف در کتاب تنخ شامل چند مورد است که ما آن را در چند مقوله طبقه بندی کرده‌ایم که در ذیل به آن‌ها اشاره خواهیم کرد.

### ۳-۱. احترام به والدین

در رابطه با احترام به والدین در تنخ مطالبی وجود دارد که نشان از جایگاه والای پدر و مادر در دین یهود دارد. از جمله می‌توان به این نکته اشاره کرد که احترام به والدین در کنار پرستش خداوند و نفی پرستش خدایان دست ساز بشری به عنوان یکی از ده فرمان حضرت موسی (ع) آمده است: «پدر و مادر خود را احترام نما تا روزهای تو در زمینی که یهوه خدایت به تو می‌بخشد، دراز شود». (خروج ۱۲: ۲۰)

همچنین با مشاهده در ده فرمان حضرت موسی می‌توان دید که به احترام به والدین به عنوان یک اصل بنیادین توجه شده است؛ در اسفار خروج و لاویان آمده است: «پدر و مادر خود را احترام نما تا روزهای تو در زمینی که یهوه خدایت به تو می‌بخشد دراز شود». (خروج ۱۲: ۲۰)؛ «هر یک از شما مادر و پدر خود را احترام نماید و سبّت‌های مرا نگاه دارید، من یهوه خدای شما هستم». (لاویان ۳: ۱۹)

در تلمود آمده است که وظیفه احترام به والدین یکی از فرائضی است که انسان از ثمراتش در این دنیا بهره ور می‌شود و اصل سرمایه آن، در جهان آینده برای وی باقی می‌ماند. (کهن، ۱۳۸۲ش، ص ۱۹۸-۲۰۱)

در تنخ از تکریم و بزرگداشت والدین با دو واژه‌ی «احترام» و «ترس» تعبیر شده است. در توصیف این دو واژه آورده شده است: ترس از پدر عبارت است از این که فرزند در مکانی که از برای پدر است نایستد، در جایی که مخصوص اوست ننشیند، گفته‌ی او را تکذیب نکند و علیه نظر او رأی ندهد. احترام به پدر بدین گونه است که فرزند برای پدر غذا، آشامیدنی و پوشاک و کاشانه تهیه کند و وی را در رفت و بازگشت از خانه کمک نماید. محبت فرزند و وظایف او نسبت به پدر و مادر یکسان است. با این وجود در آیین یهود بنابر قانون تلمود اگر تعارضی در وظایف فرزندان

در قبال والدین به وجود آید، وی موظف است پدر را بر مادر مقدم داشته و به فرمان او توجه نماید.

تلمود در پاسخ این سؤال که اگر پدر و مادر همزمان تقاضایی از فرزند داشته باشند، وی در ابتدا باید فرمان کدامیک از آنها را اطاعت کند می‌گوید: «نخست پدرت را احترام کن و بعد مادرت را عزت بده؛ زیرا هم تو و هم مادرت موظف هستید که به پدر احترام نمایید» (ر. ک: همان). جایگاه تعظیم و تکریم والدین تا جایی است که فرزندان موظف هستند حتی در صورتی که پدر و مادر ظلم و ستمی بر آنها روا دارند، با کمال احترام و ملایمت با آنها برخورد نمایند. همچنین بر اساس گفته یکی از دانشمندان یهودی در تلمود درباره‌ی حدود احترام به والدین آمده است: «احترام به والدین تا حدی است که اگر پدر یا مادر کیسه پول فرزند خود را گرفته و آن را در حضور او به دریا بیندازند، وی نباید آنها را خجالت دهد». (ر. ک: همان)

### ۲-۳. تکریم والدین

تکریم والدین یکی دیگر از وظایفی است که خداوند بر عهده فرزندان قرار داده است. در تنخ آمده است که سه نفر در آفرینش انسان شریک هستند: پدر و مادر، جسم انسان را می‌سازند و خداوند روح را در آن قرار می‌دهد. از سوی دیگر پدر و مادر از لحظه تولد به برآورده ساختن نیازهای حیاتی کودک می‌پردازند و این خدمت و نیکی، سالیان طولانی تا زمانی که فرزند بتواند وارد جامعه شود و به تنهایی زندگی خود را اداره کند ادامه می‌یابد. حتی پس از این مرحله نیز والدین همچنان حمایت و کمک به فرزندانشان را پی می‌گیرند. در حقیقت می‌توان گفت که فرزندان به سختی می‌توانند حتی بخشی از نیکی‌های والدین خود را جبران کنند. (امثال سلیمان ۲۳: ۲۴-۲۵)؛ به همین دلیل بالاترین درجه احترام و قدرشناسی نسبت به انسان‌ها، نیکی به والدین است و چون فرزند می‌داند که هرگز نخواهد توانست حق والدین را به طور کامل ادا کند، پس هیچ‌گاه در احترام و نیکی به ایشان کوتاهی نخواهد کرد. این رفتار از یک سو باعث خواهد شد که او در برابر خوبی‌های دیگر انسان‌ها احساس قدرشناسی داشته باشد و از سوی دیگر همانند والدین خود می‌داند که خداوند آن‌چنان



نعمات و خوبی‌های بی‌پایانی را به او عطا کرده است که ذره‌ای از آن را به سختی می‌تواند پاسخ دهد. پس هیچ فرصتی را برای انجام دادن فرائض و وظایف شرعی خود نسبت به خالق جهان از دست نخواهد داد. به این ترتیب فرمان احترام به والدین موجب صلح و دوستی بیشتر بین انسان‌ها شده و ایمان و اعتقاد الهی را استحکام می‌بخشد. (آترمن، ۱۳۸۵ش، ص ۲۱۳)<sup>۱</sup>

### ۳-۳. اطاعت از والدین

از دیگر وظایفی که فرزندان در برابر والدین خود دارند اطاعت از دستورات پدر و مادرشان است. در امثال سلیمان، حضرت سلیمان (ع) فرزندان خود را تشویق به اطاعت و حرف شنوی از تعالیم پدر و مادر فرا می‌خواند؛ سلیمان نبی در تنخ، فرزندان خود را چنین توصیف می‌کند: «ای پسر من؛ تأدیب پدر خود را بشنو و تعلیم مادر خویش را ترک منما؛ زیرا که آن‌ها تاج زیبایی برای سر تو و جواهر برای گردن تو خواهد بود». (امثال سلیمان ۱: ۸-۹) ایشان در توصیه‌ای دیگر می‌فرماید: «ای پسر من؛ اوامر پدر خود را نگه دار و تعلیم مادر خویش را ترک منما. آن‌ها را بر دل خود دائماً ببند، و آن‌ها را بر گردن خویش بیاویز. حینی که به راه می‌روی تو را هدایت خواهد نمود، و حینی که می‌خواهی بر تو دیدبانی خواهد کرد، و وقتی که بیدار شوی با تو مکالمه خواهد نمود؛ زیرا که احکام ایشان چراغ و تعلیم نور است و توبیخ تدبیرآمیز طریق حیات است». (امثال سلیمان ۶: ۲۰-۲۳)

در تنخ درباره‌ی سزای فرزندی که به اوامر والدین خود گوش ندهد آمده است: «اگر کسی را پسر سرکش و فتنه‌انگیز باشد که سخن پدر و سخن مادر خود را گوش ندهد و هر چند او را تأدیب نمایند ایشان را نشنود. پدر و مادرش او را گرفته نزد مشایخ شهرش به دروازه‌ی محله‌اش بیاورند. و به مشایخ شخرش گویند: این پسر ما سرکش و فتنه‌انگیز است سخن ما را نمی‌شنود و مسرف و میگسار است. پس جمیع اهل شهرش او را به سنگ سنگسار کنند تا بمیرد پس بدی را از میان خود

---

۱. نمونه آیات در رابطه با تکریم و احسان والدین در تنخ وجود دارد. مانند: اول پادشاهان ۲: ۲۰،

خروج ۲۰: ۱۲، لاویان ۱۹: ۳، و...

دور کرده‌ای و تمامی اسرائیل چون بشنوند خواهند ترسید». (تثنیه ۲۱: ۱۸-۲۱). در این بخش از تنخ مشاهده می‌کنیم که فرزندی که سرکش و فتنه انگیز است، مجازات سنگینی در انتظار اوست.

منظور از اطاعت از اوامر والدین که در تنخ آمده است بدین معنا نیست که فرزند اطاعت بی چون و چرا از والدین خود داشته باشد. بلکه اطاعت از آن‌ها در مواردی استثنا شده است و آن زمانی است که آن‌ها در صدد تجاوز از اوامر الهی باشند که در این صورت فرزندشان باید از اطاعت والدین خود سر باز زند. زیرا اوامر الهی مقدم بر رعایت حقوق والدین می‌باشد. در تلمود آمده است: «تنها در یک مورد احترام به خداوند مقدم بر احترام به والدین می‌شود و این زمانی است که پدر یا مادر از فرزند خود بخواهند از فرامین الهی سرپیچی کند. آیا می‌توان گفت اگر پدری به فرزند فرمان دهد که خود را پلید کند یا آنکه شیء گمشده‌ای را که یافته است به صاحبش باز نگرداند، فرزند باید از او اطاعت کند؟ نه. و بدین سبب است که گفته‌اند: هر کدام از شما پدر و مادر خود را احترام نماید و روزهای سبت (شنبه‌ها و اعیاد مقدس) مرا نگه دارد». (لاویان ۱۹: ۳). همچنین بر فرزندان لازم است تا با حفظ حرمت والدین و در کمال آرامش و ملایمت و به دور از هرگونه خشم و غضب آن‌ها را از حکمی که از آن سرپیچی نموده‌اند مطلع سازند. به طور مثال در این باره آمده است: «اگر فرزندی ببیند که پدر او از یکی از فرامین تورات م‌گذرد، نباید به او بگوید: پدر داری از یکی از فرامین تورات تخلف می‌کنی، بلکه باید بگوید: پدر، در تورات چنین نوشته شده است.»

این راه حل مورد اعتراض تلمود قرار گرفته است؛ زیرا اگر با پدری بدینگونه رفتار کنند رنجیده خاطر خواهد شد. از این رو به فرزند توصیه شده اگر می‌بیند پدرش از امر تورات تجاوز می‌کند با احترام و ملایمت به او چنین بگوید: «پدر، در تورات آیه‌ای اینچنین یافت می‌شود تا او خود نتیجه مطلوب را از آن آیه بگیرد و از عمل خلاف خویش دست بکشد». (کهن، ۱۳۸۲ش، ص ۱۹۹-۲۰۰).

### ۳-۴. حمایت و پشتیبانی از والدین

دین یهود در رسیدگی به والدین و تأمین نیازهای مادی آن‌ها به ویژه به هنگام نیاز، فرزندان را امر به متعهد بودن در این زمینه می‌کند. در دین یهود توصیه شده در صورت نیازمندی والدین، فرزند موظف است حتی در صورت عدم استطاعت مالی، با گدایی کردن نیازهای زندگی پدر و مادر خود را رفع نماید. تلمود در این باره می‌گوید: «گفته شده است: از مایملک خود، خدا را تکریم نما. (امثال سلیمان ۳: ۹) خداوند را چگونه تکریم خواهی کرد با آنچه او به تو عطا فرموده است. فی المثل با کنار گذاشتن خورده ریز محصول، دسته‌های گندم فراموش شده و محصول گوشه کشتزار برای فقرا، دادن سه نوع عشریه، احسان به مستمندان و غیره. اگر استطاعت مالی و امکان انجام دادن این فرائض را داشته باشی آن‌ها را انجام بده و اگر چنین توانایی را نداشته باشی موظف به انجام دادن آن نیستی. لکن در مورد فریضه احترام به والدین چه توانایی مالی داشته باشی و چه نداشته باشی باید آن را انجام دهی؛ حتی اگر لازم شود به در خانه‌ها بروی و گدایی کنی.» (ابراهام، ۱۳۸۲ش، ص ۱۹۹). یکی از حقوق مادی والدین بر فرزندان در زمان حیاتشان، بر خورداری آن‌ها از ماترک فرزندانشان در صورت فوت آن‌هاست. در آیین یهود هرگاه شخصی فوت کند و پدر و مادر او زنده باشند، پدر به تنهایی در طبقه وراثت قرار می‌گیرد؛ ولی مادر با محرومیت کلی از ارثیه فرزندش مواجه می‌شود و اگر وراثت متوفی تنها پدر و مادر باشند نیز تنها پدر از ترکه فرزندش ارث می‌برد.» (عسکری اسلام‌پور، ۱۳۸۸ش، ص ۳۵، ۸). پدر همواره در ارث بردن از فرزند متوفی خویش بر همه اخلاف خود حق تقدم دارد؛ در حالی که مادر به طور کلی از ارث محروم بوده و در هیچ یک از طبقات ارث قرار نمی‌گیرد.

### ۳-۵. احترام والدین در پیری و بعد از وفات

بر اساس آموزه‌های تنخ، احترام به والدین، اطاعت از آن‌ها، مراقبت از آن‌ها و احترام ویژه به آنان در زمان کهنسالی، از وظایف اخلاقی فرزندان در مقابل والدین است. سلیمان نبی در زابطه با این موضوع می‌گوید: «پدر خویش را که تو را تولید

نمود گوش گیر، و مادر خود را چون پیر شود خوار مشمار). (امثال سلیمان ۲۲۲: ۲۳). اما در رابطه با احترام و تکریم والدین پس از مرگ و همچنین برای طلب مغفرت و بخشش از خداوند برای آنان، در تنخ مطلبی وجود ندارد، ولی در تلمود آمده است: «اگر بعد از مرگ پدر موقعیتی پیش آید که لازم شود پسر از او نقل قول کند، وی نباید بگوید: پدرم این طور گفته است، بلکه باید چنین بگوید: پدرم و استادم که ای کاش من کفاره مرگ او بشوم [یعنی رنج‌هایی که او باید برای کفارة گناهانش در آن دنیا متحمل شود، نصیب من گردد] چنین فرموده است. این روش مربوط به دوازده ماه اول پس از مرگ است. بعد از سپری شدن این مدت هرگاه که نام پدر را می‌برد، باید این کلمات را بر زبان آورد: یادش برای حیات جاودان جهان آینده به خیر باد». (آنترن، ۱۳۸۵، ص ۲۵۱)

#### ۴. نتیجه

پس از بررسی‌ها در رابطه با وظایف فرزندان در ادیان اسلام و یهودیت به این نتیجه دست می‌یابیم که هر دو دین تأکید زیادی بر جایگاه ویژه پدر و مادر دارند و فرزندان موظف به احترام به والدین خود هستند. زیرا به این مطلب در کتب مقدس دو دین اشاره شده است. احترام به والدین در اسلام تا جایی است که انسان جایز نیست حتی از کلمه اف در برخورد با آن‌ها استفاده کند. البته در دین یهود احترام پدر بر احترام مادر اولویت دارد. همچنین در دو دین آمده است که فرزندان به والدین خویش احسان و نیکی کنند که این مطلب در قرآن بلافاصله بعد از اطاعت از والدین ذکر شده است. در رابطه با اطاعت از والدین نیز هر دو دین فرزندان را به این امر فرا می‌خواند. البته این دستور در دین یهود بسیار پررنگ‌تر است. تا جایی که اگر فردی از دستورات والدین خویش سرکشی کند باید سنگسار شود تا بمیرد. البته ناگفته نماند در هر دو دین گستره اطاعت از والدین تا جایی است که با دستورات و فرامین الهی تضاد نداشته باشد. حکایت و پشتیبانی از والدین از وظایف دیگر فرزندان است که هر دو دین به آن اشاره دارد. این حمایت در یهودیت تا جایی است که فرزندان برای رفع نیازهای والدین خود مجاز به گدایی هستند. مطلب مهم دیگری

که اسلام و یهودیت به آن تأکید دارند مراقبت از والدین در دوران کهنسالی است. چون والدین در این دوران مانند کودکانی هستند که باید از آنان در برابر هر آسیبی حفاظت شود. پس از فوت والدین نیز فرزندان موظف اند پدر و مادر خویش را از دعا و طلب مغفرت محروم نکنند.

## ۵. منابع

قرآن کریم، چاپ سوم، ترجمه: الهی قمشه‌ای، مهدی، قم، انتشارات شهاب، ۱۳۸۶ش.

نهج البلاغه، چاپ اول، ترجمه: انصاریان، حسین، قم، دارالعرفان، ۱۳۸۸ش.  
صحیفه سجادیه، چاپ دوم، ترجمه: آیتی، عبدالمحمد، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۷۵ش.

۱. تنخ، ترجمه انجمن کتاب مقدس، چاپ دوم، ایران، چاپ فرهنگ، ۱۹۸۷م.
۲. انترمن، الن، ۱۳۸۵ش، باورها و آیین‌های یهودی، ترجمه: فرزین، رضا، چاپ اول، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، المفردات فی غریب القرآن، چاپ اول، دمشق، دارالعلم.
۴. طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۳۷۴ش، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه: موسوی همدانی، سید محمد باقر، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، جامعه مدرسین حوزه علمی قم.
۵. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۶۰ش، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، تهران، انتشارات فراهانی.
۶. عسکری اسلام‌پور، ۱۳۸۸ش، «فلسفه تفاوت ارث زن و مرد در اسلام»، ماهنامه رواق اندیشه، شماره ۳۵، ص ۸.
۷. قرائتی، محسن، ۱۳۸۳ش، تفسیر نور، چاپ یازدهم، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۸. قرشی، سید علی اکبر، ۱۴۱۲ق، قاموس قرآن، چاپ ششم، تهران، دارالکتاب

الاسلاميه.

۹. كهن، ابراهام، ۱۳۸۲ش، گنجينه‌اي از تلمود، ترجمه: گرگاني، فريدون، تهران، انتشارات اساطير.

۱۰. مجلسي، محمد باقر، ۱۴۰۳ق، بحارالانوار، چاپ دوم، بيروت، دار احياء التراث العربي.

۱۱. مكارم شيرازي، ناصر، ۱۳۷۴ش، تفسير نمونه، چاپ اول، تهران، دارالكتاب الاسلاميه.

۱۲. وزيري، مجيد، ۱۳۸۷ش، حقوق متقابل كودك و ولي در اسلام، چاپ دوم، شركت چاپ و نشر بين الملل.



# Nasim Kowsar

## Scientific Quarterly

- Solutions to prevent delinquency and reform criminals
- Probative value of electronic evidence in Iranian and Afghan law...
- Jurisprudential review of circumcision condition in Tawaf
- The crime of theft and its punishment from the perspective of Islamic jurisprudence
- The theory of sanctity of Jihad before the rise of Hazrat Mahdi
- Essay on Jihad/ Gurban Ali Hakimi
- Blessing-making and blessing-burning factors in the Holy Quran